

تبیین رابطه بهزیستی اجتماعی با زیست‌پذیری شهری

(مطالعه موردی: شهر ایلام)

روح‌الله رستمی^۱

منصور منصوری‌مقدم^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بین بهزیستی اجتماعی و زیست‌پذیری شهری انجام شده است. اصطلاح زیست‌پذیری به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت افراد آن جامعه اشاره دارد. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه و مصاحبه بوده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر ساکن شهر ایلام تعریف شده است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم انتخاب شد. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا با میانگین کل ۰/۸۳۳ و پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۲۸ برای متغیر زیست‌پذیری شهری و ۰/۷۵ برای متغیر بهزیستی اجتماعی محقق گردید. در تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از این است که میانگین رضایت از زیست‌پذیری اقتصادی ۴۹/۱۰، میانگین رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی ۵۵/۰۰ و میانگین رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی ۳۲/۶۶ بوده است و همه فرضیه‌های تحقیق به غیر از فرضیه رابطه بین مشارکت اجتماعی و رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی تأیید شده‌اند.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی

مقدمه و طرح مسئله

بعد از انقلاب کشاورزی، شاید بتوان از شهرنشینی به عنوان بزرگترین انقلاب و دستاورد تأثیرگذار در تاریخ بشریت نام برد. اگر شهرها در گذشته نه چندان دور، پدیده‌ای استثنایی و کمیاب بودند، امروز به مکان اصلی کار و سکونت انسان تبدیل شده‌اند و همه روزه بر تعداد و جمعیت آنها و بالطبع بر مشکلات آنها افزوده شده است (کلارک، ۱۳۸۸: ۵۰). در حال حاضر بیش از ۵۰٪ از جمعیت نزدیک به ۷/۶ میلیارد نفری جهان در شهرها زن دگی می‌کنند. بر این اساس قرن بیست و یکم به واسطه زندگی شهری به گونه‌ای پیش می‌رود که قبلاً همچون آن تجربه نشده است (پیری و ملکی، ۱۳۷۸: ۱۳۲). در این فرایند، شهرهای بزرگ جهان در معرض مسائل و مشکلات گوناگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ... قرار گرفته‌اند.

امروزه اکثر شهرهای بزرگ با مشکلاتی مانند جدایی اقوام از یکدیگر، جدایی محل کار و محل سکونت، فروپاشی محله‌ها، افزایش ترافیک، انحرافات اجتماعی و اقتصادی، نابرابری فرصت‌ها و دسترسی ناعادلانه به منابع مواجه هستند. با اندکی بررسی می‌توان دریافت که علت تمامی این مشکلات، توجه بیش از حد به جنبه کمی توسعه است.

به منظور رفع مسائل مذکور، باید رویکردهای جدیدی به عنوان پاسخ انتقادی به سیاست‌های شهری نامطلوب و اثرات جانبی منفی آنها و ناکارایی دیدگاه‌های توسعه‌طلب، که مبتنی بر رشد لجام‌گسیخته و سریع جمعیت و استفاده سریع و افراطی از منابع هستند، مطرح شود. در دیدگاه‌های جدید، توجه به عدالت بین نسل‌ها و درون نسل‌ها، میزان استفاده از امکانات و منابع و ملاحظات زیست‌محیطی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (علی‌اکبری و اکبری، ۲۰۱۷: ۲). یکی از دیدگاه‌های مطرح‌شده در دهه‌های اخیر «زیست‌پذیری شهری» است. تعاریف زیست‌پذیری و اجتماع زیست‌پذیر و به طور کلی مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری، مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف را شامل می‌شوند که به وسیله یک سری اصول راهنما بیان می‌گردند که عبارتند از: دسترسی، برابری و مشارکت. کیفیت زندگی شهروندان به میزان دسترسی

آنها به زیرساخت‌ها، حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده و فضای سبز و پارک‌ها بستگی دارد. زیست‌پذیری یک سکونتگاه نیز به میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری به منظور تأمین نیازهایشان وابسته است. زیست‌پذیری شهری می‌تواند به عنوان کیفیت محیط شهری (محیط شهری مجموع ویژگیهای اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی تعریف شده است) تعریف شود که نیاز انسان به امنیت اجتماعی، سلامت و رفاه در سطح فردی و اجتماع را فراهم می‌کند. زیست‌پذیری فزاینده مناطق شهری به عنوان شیوه‌ای برای کاهش رد پای اکولوژیکی، پیشگیری از آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی در شهرها و محدوده اطرافش در نظر گرفته شده است (سایتلونگا، ۲۰۱۳: ۷۸). شهر زیست‌پذیر نقطه اتصال بین گذشته و حال است و مدیریت پایدار در آن، از یک سو به نشانه‌های تاریخی احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنچه تاکنون متولد نشده، توجه دارد؛ از این رو، «حفظ ارزش‌ها و کرامت انسانی، امنیت، پویایی و تحرک، سرزندگی و نشاط و به دنبال آنها مشارکت و تعلق به مکانی که تبلوری از آرمان‌های خاص انسان در شکل دادن به محل زندگی است، همیشه و در همه جوامع شهری مد نظر بوده است؛ در نتیجه تقویت و ظرفیت زیست‌پذیری از اصول مهمی است که شرایط زندگی مناسب را برای همه ساکنان یک محله فراهم می‌کند» (کیانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵). کشور ما و مناطق مختلف آن از جریان رشد شهرنشینی جدید به دور نمانده است. شهر ایلام که هسته اولیه آن با پیوستن چند عنصر دست کم بیش از یک قلعه کشاورزی که در کنار یا نزدیکی یکدیگر قرار داشته‌اند، شکل گرفته بود، در طول حیات خود دچار تحولات گسترده‌ای شده است (ارزانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). این شهر به علت قرار گرفتن در مرکز استان، واقع بودن در میان بلوط‌های زاگرس، برخورداری از فضاهای سبز طبیعی، داشتن امنیت اجتماعی پایدار در سایه ظرفیت بالای بزرگان، برخورداری از خیابان‌های امن، پایین بودن میزان آسیب‌های اجتماعی و داشتن آثار تاریخی و فرهنگی با قدمت فراوان، که باعث بالا بردن حس تعلق به مکان و برخورداری از هویت محلی می‌شود، قابل سکونت و زیست‌پذیری

بوده است. نقطه عطف تحول این شهر، انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی به علت مرز مشترک با کشور عراق بود. بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ و صنعت‌گرایی باعث شد مهاجرت از مناطق مختلف استان به شهر ایلام با شتاب بیشتری صورت گیرد و دولت بیش از پیش به این شهر توجه کند و با تمرکز درآمدهای نفتی، برنامه‌ریزی برای مناطق و شهرهای مختلف را آغاز نماید. مجموع این عوامل و عوامل دیگری نظیر سرنگونی رژیم بعثی عراق و باز شدن مرز کشور برای تردد زائران عتبات عالیات از مسیر استان ایلام باعث افزایش جمعیت این شهر شد؛ به طوری که جمعیت شهر ایلام از ۳۲ هزار و ۴۷۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۳۵ هزار و ۱۴۴ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. تعداد خانوارهای ساکن در این شهر نیز در سال ۱۳۹۵ به ۵۴ هزار افزایش یافته و نرخ رشد سالانه جمعیت شهری از ۷/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

آلودگی‌های زیست‌محیطی با منشأ خارجی به صورت گرد و خاک، که حداقل ۵۰ روز در سال اتفاق می‌افتد، سکونت در شهر ایلام را با مشکل مواجه ساخته است. قومیت‌گرایی، سرمایه‌های اجتماعی را کاهش داده و امکان انتخاب مدیران کارآمد شهری را به حداقل رسانده است. کاهش حس تعلق به مکان و جاذبه‌های بیرونی، زمینه مهاجرت نخبگان علمی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم کرده است و تمایلی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی وجود ندارد. محصور بودن در میان کوه‌ها، سوداگری و کمبود زمین و فرسوده بودن بخش‌هایی از بافت شهری، امکان توسعه بهینه و مطلوب فضاهای شهری و توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی در شهر را کاهش داده و بسیاری از ویژگی‌های مثبت و سازنده آن به تدریج از دست رفته است که از این میان می‌توان به کاهش زیست‌پذیری اشاره کرد؛ زیرا این امر، محصول توازن، تعادل و عملکرد مطلوب و مناسب سیستم‌ها و ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی، مدیریتی و تاریخی یک شهر است که شرایط مطلوب و مناسب زیست‌ساکنان آن را فراهم می‌آورد و هر زمان شهر از این تعادل و توازن فاصله بگیرد، دچار آسیب می‌شود و زیست‌پذیری آن در ابعاد و زمینه‌های گوناگون در

معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد.

زیست‌پذیری شهری^۱، وضعیتی تبعی، نسبی و برخاسته از عوامل، فرایندها و سازوکارهای دنیای واقعی است که در مراحل گوناگون تحول نظام شهرها به اشکال و درجات متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد. از جمله این عوامل می‌توان به سطح بهزیستی اجتماعی ساکنان شهر اشاره کرد. مطابق الگوی مورد توجه کیز، اگر فرد از نظر اجتماعی سالم تلقی شود، جامعه‌ای را که در آن به سر می‌برد به شکل هدفمند و قابل درک می‌شناسد. در این حالت، اجتماع در رشد و شکوفایی وی اثربخش قلمداد می‌شود و این احساس در وی به وجود می‌آید که عضوی از جامعه است. این پذیرش از سوی جامعه نه تنها برای خود فرد، بلکه برای اجتماع نیز اثربخش و مفید تلقی می‌شود. بر این اساس، ارتقای بهزیستی اجتماعی و وجود سطح مطلوبی از آن، سبب می‌گردد که شهروندان تجربه زیستی و یافته‌های مفید خود را در اجتماعی که در آن به سر می‌برند، نشان دهند و عملاً به کار بگیرند. در این شرایط، فرد احساس می‌کند متعلق به جامعه است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم می‌داند؛ بنابراین بهزیستی اجتماعی، پذیرش، مشارکت و انسجام اجتماعی از بنیادی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحول و زیست‌پذیری شهر هستند.

با توجه به نقش و جایگاه بهزیستی اجتماعی در کیفیت و زیست‌پذیری شهر، سؤالات اساسی زیر مطرح می‌شود:

- ۱- وضعیت زیست‌پذیری شهر ایلام چگونه است؟
- ۲- بهزیستی اجتماعی چه تأثیری در زیست‌پذیری شهری دارد؟
- ۳- چه رابطه‌ای بین میزان انسجام اجتماعی و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟
- ۴- چه رابطه‌ای بین میزان پذیرش اجتماعی و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟
- ۵- چه رابطه‌ای بین میزان مشارکت اجتماعی و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟
- ۶- چه رابطه‌ای بین میزان انطباق اجتماعی و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟
- ۷- چه رابطه‌ای بین میزان شکوفایی اجتماعی و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟

1. Urban Livability

چهار چوب نظری

بهزیستی یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی است که در چند دهه اخیر در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی اهمیت یافته است. این اصطلاح در مکالمات روزمره، در معانی شاد بودن، سلامتی، کامیابی و داشتن موقعیت خوب و رضایت‌بخش از زندگی متداول است. بهتر است در تعریف بهزیستی، بین دو دیدگاهی تمایز قائل شد که آنها را معطوف به درون و معطوف به بیرون می‌نامند؛ در دیدگاه معطوف به بیرون، از بیرون به درون نگریسته می‌شود و تعادل بین محیط و ابعاد فیزیکی و اجتماعی و فراهم بودن منابع بر بهزیستی فرد تأثیر می‌گذارد. در این دیدگاه، بهزیستی به صورت موقعیتی پویا دیده می‌شود؛ اما در دیدگاه معطوف به درون از درون به بیرون نگریسته می‌شود؛ یعنی ادراک و احساس خوشایند فرد ملاک قرار می‌گیرد و ارتباط مناسب فرد با محیط به مثابه تعیین‌کننده‌های بهزیستی دیده می‌شود.

در تلاش برای شناخت مفهوم بهزیستی، دو رهیافت نظری متضاد با عنوان «لذت‌خواهی»^۱ و «سعادت‌خواهی»^۲ شکل گرفته است. رهیافت لذت‌خواهی، بهزیستی را به شادی ذهنی و تجربه لذت متصل می‌کند و بیشتر به تجربه ذهنی رضایت و لذت افراد باز می‌گردد که در واقع، رویکردی درآمد - مصرف است. در مقابل آن، رهیافت سعادت‌خواهی قرار دارد که بهزیستی را برابر با لذت و شادی ذهنی نمی‌داند؛ زیرا لذت، پیامدی را منتج می‌شود که فقط زمینه و مقدمه شادی روانی را فراهم می‌کند و لزوماً بهزیستی و خوشی را افزایش نمی‌دهد. این رویکرد بر بافت اجتماعی تأکید بیشتری دارد. بهزیستی در رهیافت لذت‌خواهی، شامل سه عنصر رضایت از زندگی، وجود حالت مثبت و نبود حالت منفی است؛ در حالی که در رهیافت سعادت‌خواهی، به واقعیت بخشیدن به استعداد نهان انسانی بازمی‌گردد (مک‌گریگور، ۲۰۱۰: ۸۴۵). از دیدگاه روانشناسی همچون دینر (۱۹۹۹: ۲۷۶) بهزیستی مسائل زیر را شامل می‌شود:

1. Hedonic
2. Eudemonia

۱- ارزیابی مثبت از زندگی هر فرد در ارتباط با احساسات خوب، ۲- احساسات مثبت کنونی مانند لذت، شادی، انرژی، بشاش بودن و خوشی، ۳- نبود احساسات منفی مانند افسردگی، عصبانیت، ناراحتی و اضطراب. در بحث بهزیستی اجتماعی، نظریه کیز از اولویت برخوردار است. وی بهزیستی اجتماعی را گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطاتشان با دیگران تعریف می‌کند. از ابتدا نیز بهزیستی اجتماعی، ادراک افراد از یکپارچگی آنها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد (کیز، ۱۹۹۸: ۱۳۳). طرح بهزیستی اجتماعی کیز شامل پنج جنبه است که کارکرد بهینه افراد را معلوم می‌کند. این پنج بعد یا جنبه (انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی) با اندازه‌های مربوط به سلامت روان مرتبط هستند. از نظر وی شناخت و پذیرش دیگران، پذیرش و ارزش فرد به عنوان یک شریک اجتماعی، مشارکت و باور به تحول مثبت اجتماع، عناصر شکوفایی بهزیستی جامعه است. این عناصر می‌توانند وحدت اجتماعی، تشریک مساعی، پیوند اجتماعی، حس وجود ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد را در پذیرش دیگران ارزیابی کنند (همو، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵؛ به نقل از صفاری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷). تحت تأثیر طرح بهزیستی و بر اساس بعد اجتماعی و سطح تحلیل فردی، کیز پنج بعد و شاخص اساسی برای بهزیستی اجتماعی پیشنهاد کرده است که عبارتند از:

۱. شکوفایی اجتماعی^۱: شکوفایی اجتماعی به معنای دانستن و اعتقاد داشتن به این است که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. فکر کردن به اینکه جامعه قابلیت رشد به شکل مثبت را دارد می‌تواند این قابلیت را به فعلیت برساند (کیز، ۱۹۹۸: ۱۲۷). شکوفایی اجتماعی عبارت از ارزیابی توان بالقوه و مسیر تکاملی اجتماع و باور به اینکه اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد که از طریق نهادهای اجتماعی و شهروندان شناسایی می‌شوند (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱). این جنبه شامل

1. Social Actualization

درک افراد از این موضوع است که آنها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که نوید توسعه بهینه را می‌دهد؛ هرچند این امر برای همه افراد درست نیست.

۲. انطباق اجتماعی^۱: انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی اجتماعی با بی‌معنایی در زندگی قابل مقایسه است و شامل ارزیابی فرد از اجتماع به صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص است و در حقیقت درکی است که فرد از کیفیت سازماندهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. افراد سالم به طرح‌های اجتماعی علاقه‌مندند و احساس می‌کنند قادر به فهم وقایع اطراف خود هستند، خود را با تصور اینکه در یک دنیای متکامل و عالی زندگی می‌کنند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهایشان را از جهت فهم و درک زندگی ارتقا می‌بخشند (عبدالله‌تبار، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

۳. پذیرش اجتماعی^۲: گرایش مثبت نسبت به افراد و به طور کلی پذیرش آنها علی‌رغم داشتن برخی رفتارهای پیچیده، مصداقی اجتماعی از پذیرش خود است. در پذیرش خود، فرد نگرش مثبت و احساس خوبی به خود و زندگی گذشته دارد و با وجود ضعف‌ها و ناتوانایی‌هایی که دارد، خود را می‌پذیرد. افراد باور دارند که مردم می‌توانند ساعی و مؤثر باشند. آنها دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی می‌کنند (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۲۲). حمایت اجتماعی یکی از شقوق پذیرش اجتماعی است. پذیرش اجتماعی نیز نسخه اجتماعی پذیرش خود می‌باشد و به معنای احساس پذیرفته شدن در گروه‌های اجتماعی است که فرد علاقه‌مند و مشتاق به عضویت در آنهاست. پذیرفته شدن در گروه ناشی از ارزشی است که فرد در گروه دارد و این ارزش، گاه می‌تواند ناظر به منافع

1. Social Coherence
2. Social Acceptance

مادی و گاه به خاطر خود فرد و فارغ از منافع مادی باشد.

۴. مشارکت اجتماعی^۱: مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن، فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا و اجتماع خود دارد. چنین فردی تلاش می‌کند که احساس دوست داشته شدن داشته باشد و در دنیایی سهیم باشد که صرفاً به دلیل انسان بودن برای وی ارزش قائل است. مشارکت اجتماعی با بعد هدف در زندگی از مقیاس‌های سلامت روان موازی است (میرزااحسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۴). مشارکت به مفهوم به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام اجتماعی، دومین عامل تأثیرگذار بوده است. این بُعد می‌تواند زمینه افزایش ضریب تحمل و مدارای اجتماعی و ایجاد و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری را فراهم کند و اعتماد به نفس، رفتار خلاق و مبتکرانه و به طور کلی رضایت از زندگی را به همراه داشته باشد که در زیست‌پذیری عاملی اساسی به شمار می‌رود.

مشارکت اجتماعی، به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر می‌شود که می‌توان از آن برای خلق بهزیستی اجتماعی استفاده کرد. این جنبه به خودی خود پرمزیت است، به این علت که نه تنها شامل تماس‌هایی پرفایده با سایر افراد است؛ بلکه احساس داشتن کنترل و بخشی از جامعه بودن را پرورش می‌دهد. کیز (۱۹۹۸) معتقد است که مشارکت اجتماعی با مفهوم کارآمدی شخصی که باندورا مطرح می‌کند همپوشانی دارد و می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود؛ تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد.

۵. انسجام اجتماعی^۲: انسجام یا همبستگی اجتماعی، به معنای احساس بخشی از جامعه بودن و فکر کردن به این است که فرد به جامعه تعلق دارد، از سوی آن حمایت می‌شود و در آن سهم دارد؛ در این بعد مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آنها و کسانی وجود دارد

1. Social Contribution
2. Social cohesion

که واقعیت اجتماعی آنها را می‌سازند؛ مثل همسایه‌ها (سام آرام، ۱۳۸۸: ۷). همبستگی اجتماعی به معنایی که امروز به کار می‌رود، نخستین بار توسط امیل دورکیم وارد جامعه‌شناسی شد. وی از درون تقسیم کار در نظام اجتماعی، مفهوم همبستگی اجتماعی را به دست آورد (زند رضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۰ - ۹۲). این مفهوم مؤلفه‌های متعددی دارد که مؤثرترین آنها وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق است. هریک از این مؤلفه‌ها به نوعی بر روابط افراد یک محله تأثیر دارند و عاملی برای ارتقای تعاملات و روابط چهره‌به‌چهره هستند (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۱۳۵). وحدت اجتماعی بدین معناست که افراد با حفظ انسجام و همبستگی، با یکدیگر هم‌عقیده و هم‌نوا باشند. ساختار محله طراحی شده بر پایه وحدت اجتماعی مؤثرترین عامل بر همبستگی اجتماعی است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵).

تلاش برای ارتقای شرایط و بهبود بعد کیفی زندگی شهری، دانشمندان و صاحب‌نظران را به سمت مفهوم کیفیت زندگی^۱ سوق داد که مفهومی چند وجهی، نسبی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که ابعاد عینی و ذهنی را مد نظر قرار می‌دهد؛ از این رو، از دیدگاه افراد و گروه‌های مختلف به صور گوناگونی تعریف شده است؛ برخی آن را مترادف با زیست‌پذیری و برخی میزان جذابیت، رفاه عمومی، بهزیستی، شادکامی و ... دانسته‌اند. بعضی نیز زیست‌پذیری را بخشی از کیفیت کلی زندگی به شمار آورده‌اند.

بررسی تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که بسیاری از داده‌های زیست‌پذیری، ماهیت فضایی دارند و روابط بین مکان‌هایی مانند خانه و مدرسه و شهر و منطقه؛ همچنین موضوعات مربوط به فضا مانند درصد فضاهای باز و رابطه فضا و زمان مانند زمان مورد نیاز برای پاسخگویی در مواقع اضطراری را دربرمی‌گیرند؛ در حالی که معیارها بسیار متفاوت هستند. در هر صورت باید بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی

1. Quality of Life

تعدادل برقرار گردد. زیست‌پذیری طیف گسترده‌ای از نیازهای انسانی، از غذا و امنیت گرفته تا زیبایی و نمادهای فرهنگی و احساس تعلق به اجتماع یا مکان را شامل می‌شود. با توجه به مباحث بالا، تاکنون هیچ‌گونه توافقی در مورد اندازه‌گیری زیست‌پذیری شهری به دست نیامده است. شاید دلیل آن این باشد که معیارهای ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مکان‌ها و در نظر افراد مختلف با توجه به شخصیت، فرهنگ، زمینه‌های ملی، سنت‌ها و انتظارات متفاوت است.

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان احساس شکوفایی اجتماعی شهروندان و رضایت از زیست‌پذیری شهری رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس انطباق اجتماعی شهروندان و رضایت از زیست‌پذیری شهری رابطه وجود دارد.
- بین احساس پذیرش اجتماعی شهروندان و رضایت از زیست‌پذیری شهری رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و رضایت از زیست‌پذیری شهری رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس انسجام اجتماعی شهروندان و رضایت از زیست‌پذیری شهری رابطه وجود دارد.

پیشینه تجربی موضوع

محققان مختلف برای سنجش زیست‌پذیری بر عوامل گوناگونی تأکید کرده‌اند:

ساوآسدیسارا (۱۹۸۸) احساس ایمنی و امنیت در مکان زندگی را اصلی‌ترین و مهمترین عامل در زیست‌پذیری می‌داند. ون کمپ و همکاران (۲۰۰۳) مفاهیم مختلف مرتبط با مفهوم زیست‌پذیری را با توجه به ابعاد و شاخص‌های زمانی و مکانی، مطالعه و تحلیل کرده‌اند. بالساس (۲۰۰۴) تلاش کرده است شاخص‌های اصلی اندازه‌گیری زیست‌پذیری مرکز

شهر را معرفی نماید و به برخی از شاخص‌های کمی و کیفی، از جمله تحولات جمعیتی، میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در فضای عمومی، تعداد مشاغل جدید ایجادشده، نرخ جرم، امنیت، تعداد مقاصد خرید، پارکینگ، میزان پاکیزگی و آراستگی فضا و توریسم اشاره کند. نیوتن (۲۰۱۲) به مطالعه رابطه میان زیست‌پذیری و پایداری در شهرهای استرالیا پرداخته و نشان داده است که رابطه مستقیمی میان بهبود زیست‌پذیری و وضعیت زیرساخت‌های موجود وجود ندارد. سایتلونگا (۲۰۱۳) برای فهم الگوهای نابرابری در زیست‌پذیری، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، دسترسی، شرایط محل سکونت، میزان رضایت اقتصادی و اجتماعی و در نهایت رضایت از زیرساخت‌های کالبدی و فیزیکی محله را بررسی کرده است. بدند و همکاران (۲۰۱۴) برای کشف پتانسیل شاخص‌های زیست‌پذیری در اندازه‌گیری سلامت اجتماعی، شاخص‌های جرایم و امنیت، آموزش، اشتغال و درآمد، بهداشت و خدمات درمانی، مسکن، تفریح و اوقات فراغت، فرهنگ، غذاهای محلی و سایر خدمات، محیط طبیعی، فضاهای عمومی، حمل و نقل، انسجام اجتماعی و بالاخره دموکراسی محلی را مورد توجه قرار داده است. زانلا و همکارانش (۲۰۱۴) تلاش کردند ارزیابی زیست‌پذیری در شهرهای اروپایی را با استفاده از دو جزء اصلی زیست‌پذیری؛ یعنی رفاه مردم و تأثیرات محیطی توسعه دهند. قنبران و موسوی (۲۰۱۴) نیز به بررسی نقش برنامه‌ریزی فضاهای باز شهری در بهبود زیست‌پذیری درون شهر پرداختند.

بندرآباد (۱۳۹۰) در کتاب «شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معنا»، به اندیشه‌های نوین در شهرسازی و وجوه اشتراک و افتراق آنها با تأکید بر شهر زیست‌پذیر پرداخته است. خراسانی (۱۳۹۱) مجموعه ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی روستاهای مورد مطالعه را با رویکرد کیفیت زندگی و تأکید بر عوامل درونزا و برونزای تأثیرگذار بر زیست‌پذیری مورد سنجش قرار داده است. بندرآباد و احمدی‌نژاد (۱۳۹۲) دو بعد عینی و ذهنی را در قلمروهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیباشناختی، دسترسی، حمل و نقل و خدمات شهری، با هدف سنجش میزان زیست‌پذیری شهرک گلستان بررسی کرده‌اند. جعفری اسدآبادی (۱۳۹۲) به سنجش ابعاد و شاخص‌های

زیست‌پذیری در میان مناطق بیست‌ودوگانه شهرداری تهران پرداخته است. شبانی (۱۳۹۲) از مفهوم ظرفیت قابل تحمل به عنوان ابزاری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای ارتقای زیست‌پذیری نام برده است. فلاح منشادی (۱۳۹۲) نیز به نقش بازآفرینی فضاهای شهری با رویکرد رویدادمرداری و حیات واقعه‌ای به منظور تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری اشاره کرده است. علیزاده (۱۳۹۳) با استفاده از فاکتورهای فضاهای عمومی، انسجام اجتماعی، احساس تعلق به محله و مسکن باکیفیت به سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت در محله بریانک پرداخته است. عیسی‌لو و همکاران (۱۳۹۳) شاخص‌های اقتصادی نظیر سطح درآمد و میزان پس‌انداز را تأثیرگذارترین عوامل در زیست‌پذیری روستایی دانسته‌اند. ساسان‌پور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری در مناطق بیست‌ودوگانه کلان‌شهر تهران»، زیست‌پذیری را به طور کلی به سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کرده‌اند. در خصوص بهزیستی اجتماعی می‌توان به صورت مختصر به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

در مقاله صفاری‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن شهر تهران»، ضریب همبستگی پیرسون میان نتایج دوبار اجرای پرسشنامه حاکی از اعتبار بالای پرسشنامه بود و نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش خوب طرح در تعیین عامل‌ها به شکل اولیه بیان‌شده توسط کبیز را نشان می‌داد. شریفیان ثانی و زنجری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بهزیستن به عنوان مفهومی چندبعدی: واکاوی مفاهیم و تعاریف» به بررسی مفهوم و تعریف بهزیستن پرداخته و آن را وضعیت خوشایندی دانسته‌اند که در ارتباط با بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط معنا پیدا می‌کند.

نصرت‌آباد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه روان‌شناختی در بهزیستی با توجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی» به تبیین و بررسی بهزیستی روانی پرداخته و نشان داده‌اند که سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن با بهزیستی روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی از

یک سو و بهزیستی روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی از سوی دیگر، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

حیدری و غنائی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی» به بررسی هنجاریابی آزمون بهزیستی اجتماعی بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای استان مرکزی پرداخته و نشان داده‌اند که بهزیستی اجتماعی از پنج عامل به نامهای شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی اشباع شده است که سهم عامل نخست بیش از دیگر عامل‌هاست.

ساراسینو (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه سرمایه اجتماعی و فرایند بهزیستن در بین یازده کشور اروپایی» به بررسی رابطه بین دو متغیر مذکور در عنوان مقاله پرداخته و دریافته است که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهزیستی رابطه مثبت و معناداری دارند؛ یعنی وقتی افراد از شبکه‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند (سرمایه اجتماعی بیشتری دارند)، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی و اجتماعی بالاتری نیز دارند.

یاماوکا (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و سلامت و بهزیستی در آسیای شرقی، مطالعه‌ای مبتنی بر شاخص‌های جمعیتی» به این نتیجه رسیده است که بین سرمایه اجتماعی و بهزیستی، رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارتی افرادی که اجتماعی هستند و دوستان بیشتری دارند، از سلامت اجتماعی و بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

با توجه به نتایج پیشینه تحقیق باید بیان کرد که بهزیستی اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند به توسعه پایدار جامعه و شهر کمک بسیاری بنماید.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، شناختی و با توجه به ماهیت و هدف پژوهش که شناخت وضعیت زیست‌پذیری در شهر ایلام و بررسی رویکرد فرهنگی شهروندان و تأثیر آن بر احساس زیست‌پذیری شهری است، از نوع تحقیقات پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان زن و مرد بالای ۱۸ سال ساکن شهر ایلام هستند که بر اساس آمار سال ۱۳۹۵،

۱۵۵ هزار و ۲۸۹ نفر بوده‌اند؛ بنا بر این و بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مورد مطالعه در کل شهر ایلام، با در نظر گرفتن $0/05$ خطا 383 نفر به دست آمد و پرسشنامه‌ها توزیع شد. در تحقیق حاضر با توجه به بزرگ بودن جامعه آماری و عدم دسترسی به چارچوب آماری؛ همچنین وقت‌گیر و پرهزینه بودن تهیه چارچوب آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه استفاده شده است. شهر ایلام از ۴ ناحیه و ۲۱ محله شهری تشکیل شده است؛ از این رو، از هر ناحیه ۳ محله انتخاب شد و از هر محله بعد از فهرست‌برداری بلوک‌ها، تعدادی بلوک انتخاب گردید. در مرحله آخر نیز تعدادی از افراد ۱۸ ساله و بالاتر در دسترس برای مصاحبه انتخاب شدند.

روش گردآوری داده‌ها

با توجه به اینکه تحقق حاضر به سنجش نگرش و ارزیابی شهروندان از زیست‌پذیری شهری می‌پردازد، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه همراه با مصاحبه است. پرسشنامه بسته (محقق‌ساخته) در سه قسمت طراحی شده است: در قسمت اول نگارندگان با طرح ۴۸ سؤال در طیف لیکرت به دنبال سنجش میزان رضایت شهروندان از زیست‌پذیری شهر ایلام بوده‌اند که بر این اساس زیست‌پذیری در سه حوزه اجتماعی (۱۹ گویه)، اقتصادی (۱۸ گویه) و زیست‌محیطی (۱۱ گویه) تنظیم شد و مورد سنجش قرار گرفت؛ در قسمت دوم، به منظور شناخت احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان، از پرسشنامه استاندارد شده ۳۳ سؤالی بهزیستی اجتماعی استفاده شد که توسط کیز بر اساس طرح نظری خود از سازه بهزیستی اجتماعی تهیه شده بود. در قسمت سوم به طراحی سؤالات زمینه‌ای اقدام گردید و سؤالاتی به صورت باز در خصوص سن، جنس، میزان تحصیلات و نام محله مطرح شد.

جدول شماره (۱). پایایی ابعاد بهزیستی اجتماعی

شاخص‌ها	گویه‌ها	ضریب پایایی
انسجام اجتماعی	فکر می‌کنم متعلق به مجموعه‌ای به نام جامعه هستم. فکر می‌کنم که بخشی مهم از اجتماعم هستم. فکر می‌کنم اگر خواسته یا نظری برای گفتن داشتم، سایر افراد به من توجه می‌کردند. جامعه من منبع آرامش و راحتی من است. فکر می‌کنم اگر خواسته یا نظری برای گفتن داشتم، جامعه من را جدی می‌گرفت. سایر افراد اجتماع برای من به عنوان یک شخص ارزش قائلند. من با سایر افراد اجتماعم احساس نزدیکی نمی‌کنم.	٪۸۳
پذیرش اجتماعی	رفتار من روی سایر افراد اجتماعم اثر می‌گذارد. فکر می‌کنم افراد دیگر قابل اعتماد هستند. به نظر من مردم مهربانند. به نظر من مردم خودم‌محورند. احساس می‌کنم که مردم قابل اعتماد نیستند. فکر می‌کنم که مردم فقط برای خودشان زندگی می‌کنند. فکر می‌کنم مردم به مشکلات افراد دیگر اهمیت می‌دهند.	٪۷۹
مشارکت اجتماعی	فکر می‌کنم می‌توانم کار ارزشمندی به دنیا عرضه کنم. فعالیت‌های روزانه من هیچ نتیجه ارزنده‌ای برای جامعه ندارد. من زمان و توان لازم را ندارم تا چیز مهمی به جامعه‌ام عرضه کنم. فکر می‌کنم کار من نتیجه مهمی برای جامعه ندارد. من محصول ارزشمندی برای سهمیم شدن در اجتماع ندارم. به نظر من مردم این روزها بیشتر متقلب شده‌اند.	٪۷۵
انطباق اجتماعی	دنیا برای من پیچیده است. محققان تنها افرادی هستند که می‌توانند آنچه را که در دنیای اطرافشان رخ می‌دهد، درک کنند. من نمی‌توانم بفهمم که در دنیا چه پیش خواهد آمد. اغلب فرهنگ‌ها آنقدر عجیب و بیگانه هستند که من از آنها سردر نمی‌آورم. به نظر من دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم ارزش درک کردن را دارد. به نظر من پیش‌بینی آنچه در اجتماع آینده اتفاق خواهد افتاد، کار سختی است.	٪۷۳
شکوفایی اجتماعی	معتقدم که اجتماع مانع پیشرفت من است. معتقدم که اجتماع در جهت تحقق خواسته‌های من تغییر نمی‌کند. فکر نمی‌کنم تشکیلات اجتماعی نظیر قانون و دولت در زندگی من مؤثر باشند. من اجتماع را به صورت یک تحول دائمی می‌بینم. به نظر من جامعه مکانی پربار و مفید برای افراد است. به نظر من پیشرفت اجتماعی مفهومی ندارد. به نظر من دنیا برای هر فرد، مکان بهتری می‌شود.	٪۶۹

در خصوص اعتبار متغیر وابسته تحقیق باید گفت که ابزارهای سنجش در قالب PreTest در اختیار اساتید، کارشناسان و افرادی از جامعه آماری قرار گرفت تا ضمن بررسی برداشت و درک آنها از سؤالات، از نظر جمله بندی و ترتیب و شکل نیز مورد بررسی قرار بگیرند. میانگین کل CVR ابزار برابر با ۰/۸۳۳ به دست آمد. در مورد پایایی و دستیابی به نتایج مشابه در صورت تکرار تحقیق، از روش اعتبار درونی وسیله اندازه گیری با محاسبه آلفای کرونباخ^۱ توسط نرم افزار Spss استفاده شده است. نتایج در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره (۲). ابعاد و شاخص های زیست پذیری

ابعاد	شاخص ها	محققان
اقتصادی	داشتن شغل مناسب - درآمد مناسب خانوار - درآمد مناسب حاصل از فرصت های شغلی - تعدد فرصت های شغلی - رضایت از هزینه های مسکن و زمین - رضایت از هزینه های روزمره - رضایت از میزان هزینه های دسترسی ها و حمل و نقل - تمایل به سرمایه گذاری در شهر	رفیعیان و مولوی (۱۳۹۰)، ویلر (۲۰۱۱)
اجتماعی	مشارکت و همبستگی در امور محله - رضایت از آموزش های عمومی - رضایت از کیفیت خدمات بهداشتی - میزان ارتباط با مدیران و مسئولین شهری - تراکم جمعیت در محلات - میزان حضور در اماکن عمومی - رضایت از روابط اجتماعی محله ها - امنیت فردی و اجتماعی - امنیت زنان و کودکان در طی شبانه روز - پیوستگی و تعلق به مکان - تمایل به زندگی و ماندگاری	رفیعیان و مولوی (۱۳۹۰)، فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، روت وینهون (۱۹۹۵)، لولبی و همکاران (۲۰۱۰)، طرح و نکوور (۲۰۰۲)، بندرآباد (۱۳۹۰)، لیتمن (۲۰۰۴).
زیست پذیری	برخورداری از دفع فاضلاب بهداشتی - کیفیت و جمع آوری و دفع آب های سطحی - رضایت از نبود آلودگی صوتی - رضایت از کیفیت هوا - رضایت از پاکیزگی محیط و چشم انداز - وسعت فضاهای سبز و کیفیت مناسب آنها - چشم انداز مناسب ساختمان ها و معماری بناها	رفیعیان و مولوی (۱۳۹۰)، فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، لولبی و همکاران (۲۰۱۰)، طرح و نکوور (۲۰۰۲)، بندرآباد (۱۳۹۰)

1. Cronbach Alpha

از آنجا که شرایط آزمون‌های پارامتری - نمونه‌گیری تصادفی برای اطمینان از معرف بودن، برابری واریانس‌ها و پیوسته بودن داده‌ها (تبدیل داده‌ها به شبه فاصله‌ای) - مهیا بود، برای تعیین تفاوت بین یا میان گروه‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده گردید. برای بیان آثار مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته نیز از تحلیل رگرسیون استفاده شد. این روش با بیانی منطقی، روابط و همبستگی مشاهده‌شده بین متغیرها را تفسیر می‌کند.

یافته‌های پژوهش

از مهمترین ملاک‌های قضاوت در خصوص زیست‌پذیری شهری، آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان است. بررسی‌های میدانی و نتایج حاصل از تحقیق در خصوص ویژگی‌های مذکور نشان‌دهنده آن است که: از تعداد ۳۸۳ نفر جمعیت نمونه تعداد ۱۴۲ نفر (۳۷/۱ درصد) را زنان و ۲۴۱ نفر (۶۲/۹ درصد) را مردان تشکیل می‌دهند. از مجموع افراد مورد بررسی نیز ۱۱۸ نفر (۳۰/۸ درصد) بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۱۵۹ نفر (۴۱/۵ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۸۲ نفر (۲۱/۴ درصد) بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲۰ نفر (۵/۲ درصد) بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۴ نفر (۱/۰ درصد) بیشتر از ۶۰ سال سن داشته‌اند. بیشترین فراوانی مشاهده‌شده (نما) مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال است. از مجموع افراد مورد بررسی، ۱۰۹ نفر (۲۸/۵ درصد) مجرد و ۲۷۴ نفر (۷۱/۵ درصد) متأهل بوده‌اند. ۱۸۷ نفر (۴۸/۸ درصد) از پاسخگویان نیز شغل آزاد و ۹۰ نفر (۲۳/۵ درصد) شغل دولتی داشته و ۳۱ نفر (۸/۱ درصد) از آنها بیکار، ۲۷ نفر (۷/۰ درصد) خانه‌دار و ۴۸ نفر (۱۲/۵ درصد) دانشجو بوده‌اند. از مجموع افراد مورد بررسی، ۱۴ نفر (۷/۳ درصد) بیسواد بوده و ۱۱۵ نفر (۳۰/۰ درصد) دیپلم و زیردیپلم، ۱۹۲ نفر (۵۰/۱ درصد) فوق دیپلم و لیسانس و ۶۲ نفر (۱۶/۲ درصد) فوق لیسانس و دکتری داشته‌اند.

نتایج در خصوص ابعاد زیست‌پذیری شهری حاکی از آن است که:

جدول شماره (۳). میانگین رضایت از زیست‌پذیری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	ابعاد	زیست‌پذیری اقتصادی (۹۰-۱۸)	زیست‌پذیری اجتماعی (۹۵-۱۹)	زیست‌پذیری زیست‌محیطی (۵۵-۱۱)
جنسیت	زن	۴۹/۳۷	۵۵/۱۴	۳۲/۰۴
	مرد	۴۷/۹۴	۵۴/۹۲	۳۲/۰۲
وضعیت تأهل	مجرد	۵۲/۳۷	۵۶/۷۴	۳۳/۵۱
	متأهل	۴۷/۸۰	۵۴/۳۱	۳۲/۳۲
تحصیلات	بیسواد	۵۰/۲۱	۵۶/۵۰	۳۲/۲۱
	دیپلم و زیر دیپلم	۵۱/۷۵	۵۵/۲۴	۳۲/۸۶
	لیسانس و زیر لیسانس	۴۷/۵۳	۵۵/۲۵	۳۲/۵۰
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۸/۷۷	۵۳/۴۶	۳۲*۶۴
وضعیت شغلی	بیکار	۵۵/۴۸	۵۶/۶۴	۳۰/۸۳
	آزاد	۴۸/۴۸	۵۴/۴۳	۳۳/۱۳
	دولتی	۴۵/۶۴	۵۴/۵۸	۳۲/۷۱
	خانه‌دار	۵۱/۵۵	۵۸/۴۸	۳۰/۶۲
	دانشجو	۵۲/۵۲	۵۷/۲۵	۳۳/۰۴
میانگین کل شاخص		۴۹/۱۰	۵۰/۰۰	۳۲/۶۶

در خصوص فرضیه‌های تحقیق نیز باید گفت که جهت سنجش رابطه بین متغیرها با توجه به سطح سنجش آنها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. همانطور که داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در خصوص رابطه بین میزان انسجام اجتماعی و میزان رضایت آنها از ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهر، مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با ۰/۴۳۵، برای زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۳۸۶ و برای زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با ۰/۳۴۶ می‌باشد. سطح معناداری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) به دست آمده حاکی از وجود رابطه مثبت و نسبتاً متوسط بین این دو متغیر است؛ به عبارت دیگر با

افزایش انسجام اجتماعی در بین ساکنان شهر، رضایت از زیست‌پذیری شهر در ابعاد مختلف آن هم افزایش می‌یابد. همچنین داده‌های جدول در خصوص رابطه بین میزان پذیرش اجتماعی افراد ساکن در شهر و میزان رضایت آنها از ابعاد زیست‌پذیری شهر نشان می‌دهد که مقدار roh اسپیرمن به دست آمده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با ۰/۳۲۷، با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۲۷۶ و با زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با ۰/۲۹۸ است. با توجه به اینکه میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۱$ می‌باشد و سطح معناداری کمتر از میزان قابل قبول در تحقیقات اجتماعی یعنی ۰/۰۵ است، پس رابطه موجود معنادار می‌باشد و می‌توان گفت بین میزان پذیرش اجتماعی افراد ساکن در شهر و رضایت از زیست‌پذیری شهر، رابطه مثبت و متوسطی وجود دارد. جدول شماره ۴ نتایج حاصل از آزمون همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴ (۴). ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با ابعاد زیست‌پذیری شهری

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون همبستگی	ضریب همبستگی	ضریب معناداری	نوع رابطه	نتایج آزمون
انسجام اجتماعی	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۸۶	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۴۶	۰/۰۰۲	مستقیم	تأیید
پذیرش اجتماعی	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۲۷	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۷۶	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
مشارکت اجتماعی	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۹۸	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
انطباق اجتماعی	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۰۸۶	۰/۵۵۴	مستقیم	رد
	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
شکوفایی اجتماعی	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۱۶	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
شکوفایی اجتماعی	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۴۲۶	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید

یافته‌های جدول شماره ۴ در خصوص رابطه بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و میزان رضایت آنها از ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهر حاکی از آن است که مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با ۰/۳۱۴ و با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۲۵۹ و میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ است؛ بنابراین بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و میزان رضایت آنها از زیست‌پذیری اجتماعی و اقتصادی شهر، رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد. در خصوص رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی افراد ساکن در شهر و میزان رضایت آنها از زیست‌پذیری زیست‌محیطی شهر، مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده ۰/۰۸۶ و معناداری $\text{sig} = ۰/۰۵۵۴$ می‌باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه مقدار p بیشتر از ۰/۰۵ است، رابطه به دست آمده معنادار نیست و فرضیه رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و رضایت از زیست‌پذیری شهری رد می‌شود. در خصوص رابطه بین میزان انطباق اجتماعی و میزان رضایت از ابعاد زیست‌پذیری شهری، مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده بین متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با ۰/۳۸۵ و میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ، با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۴۴۰ و میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ و با زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با ۰/۳۱۶ و میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ است. با توجه به نتایج بالا فرض رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود و معنادار است و می‌توان گفت یک رابطه مثبت و نسبتاً قوی بین میزان انطباق اجتماعی و رضایت از زیست‌پذیری در همه ابعاد آن وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش میزان انطباق اجتماعی، میزان رضایت از زیست‌پذیری هم افزایش می‌یابد.

همچنین داده‌های جدول در خصوص رابطه بین میزان شکوفایی اجتماعی افراد ساکن در شهر و میزان رضایت آنها از ابعاد زیست‌پذیری شهر نشان می‌دهد که مقدار roh اسپیرمن به دست آمده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با ۰/۳۵۳، با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با ۰/۴۳۶ و با زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با ۰/۲۵۹ است. با توجه به اینکه میزان معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۱$ می‌باشد و سطح معناداری کمتر از میزان قابل قبول در تحقیقات اجتماعی یعنی ۰/۰۵ است، پس رابطه موجود

معنادار می‌باشد و می‌توان گفت بین میزان شکوفایی اجتماعی افراد ساکن در شهر و رضایت از زیست‌پذیری شهر، رابطه مثبت و متوسطی وجود دارد.

تحلیل رگرسیون چند متغیری

رگرسیون چند متغیری روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته؛ به عبارت دیگر رگرسیون چند متغیری روشی آماری است که اجازه می‌دهد نمره یک متغیر بر اساس نمره‌های او در متغیرهای دیگر پیش‌بینی شود. روش‌های متفاوتی برای تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش‌بین وجود دارد؛ روشی که در این تحقیق از آن استفاده شده، روش «همزمان» است که در spss آن را روش Enter می‌خوانند.

از آنجا که این مقیاس درصد است که نشان می‌دهد با شناختن متغیرهای پیش‌بین به چه میزان می‌توان نسبت به پیش‌بینی متغیر ملاک اقدام کرد، باید میزان موفقیت مدل انتخاب‌شده را هنگام کاربرد آن در محیط واقعی ارزیابی کرد و تخمین زد. جدول شماره (۵) ارزیابی مدل تحلیلی زیست‌پذیری شهری را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵). ارزیابی میزان موفقیت مدل تحلیلی در پیش‌بینی زیست‌پذیری شهری

مدل	R	مجذور R	مجذور R تنظیم شده	انحراف تخمین زده شده
۱	۰/۳۶۹	۰/۲۷۵	۰/۲۸۴	۱۰/۴۲۷۸۵

داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهند که مقدار R تنظیم‌شده برابر با ۰/۲۸۴ است؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل تحلیلی مورد استفاده ۸/۱۴٪ تغییر در زیست‌پذیری شهری را محاسبه کرده است؛ به عبارت دیگر ۲۸/۴٪ تغییرات زیست‌پذیری شهری بر اساس متغیرهای انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انطباق اجتماعی و شکوفایی اجتماعی قابل پیش‌بینی است. داده‌های بتا در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد

که میزان اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس بر زیست‌پذیری شهری برابر با انسجام اجتماعی ۰/۲۵۴، پذیرش اجتماعی ۰/۱۵۶، مشارکت اجتماعی ۰/۲۷۲، انطباق اجتماعی ۰/۲۴۶ و شکوفایی اجتماعی ۰/۱۸۵ درصد بوده است.

جدول شماره (۶). خروجی رگرسیون به روش **Enter** تأثیر متغیرهای مستقل

بر زیست‌پذیری شهری

سطح معنی‌داری	T	ضریب‌های غیراستاندارد		مدل	
		ضریب‌های استاندارد	B		
		بتا	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۷/۵۱۴		۳/۶۵۶	۲۷/۴۷۰	مقداره ثابت
۰/۰۰۰	۴/۱۳۳	۰/۲۵۴	۱/۰۳۸	۴/۲۸۹	انسجام اجتماعی
۰/۲۰۷	۱/۲۶۴	۰/۱۵۶	۰/۶۲۰	۰/۷۸۴	پذیرش اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۳۷۸	۰/۲۷۲	۰/۵۴۰	۲/۵۲۶	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۱	۳/۴۵۶	۰/۲۴۶	۱/۲۳۲	۴/۲۵۸	انطباق اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۷۵۶	۰/۱۸۵	۰/۷۸۰	۳/۳۶۷	شکوفایی اجتماعی

با توجه به اینکه در تحقیقات اجتماعی معمولاً شناسایی کلیه عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته برای محقق امکان‌پذیر نیست، بنابراین با توجه به متغیرهای تحلیل مسیر می‌توان گفت که ۲۸/۴ درصد از واریانس زیست‌پذیری شهری توسط مدل تبیین می‌شود و ۷۱/۶ درصد از واریانس زیست‌پذیری شهر توسط مدل تبیین نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

زیست‌پذیری که مفهوم مورد بحث و بررسی در این پژوهش است، در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت افراد آن جامعه اشاره دارد. هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه بین رویکرد فرهنگی شهروندان بر زیست‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر ایلام است. یافته‌های پژوهش در خصوص میزان رضایت از ابعاد مختلف زیست‌پذیری

نشان می‌دهد که شهروندان رضایت متوسطی از زیست‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر داشته‌اند. نتایج حاصل شده در خصوص ابعاد زیست‌پذیری شهری حاکی از آن است که: بر مبنای یک مقیاس ۱۸ تا ۹۰، میانگین رضایت پاسخگویان از زیست‌پذیری اقتصادی ۴۹/۱۰ می‌باشد که حاکی از رضایت متوسط آنهاست. این میانگین رضایت بر حسب متغیرهای مستقل تحقیق تقریباً ثابت است و دامنه انحراف از آن زیاد نیست. در خصوص رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی، بر مبنای یک مقیاس ۱۹ تا ۹۵، میانگین نمره پاسخگویان ۵۵/۰۰ بوده است که از رضایت متوسط آنها حکایت می‌کند. میزان رضایت بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق نیز مؤید این میانگین است. آخرین بعد از ابعاد سه‌گانه زیست‌پذیری شهری، زیست‌پذیری زیست‌محیطی است که آماره‌های توصیفی آن را نشان می‌دهد. میانگین رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی در بین پاسخگویان برابر با ۳۲/۶۶ بوده است. دامنه این مقیاس که بین ۱۱ تا ۵۵ می‌باشد حاکی از رضایت متوسط پاسخگویان از زیست‌پذیری زیست‌محیطی است.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ابعاد مشارکت، انسجام و انطباق بیشترین تأثیر را بر زیست‌پذیری داشته‌اند. مشارکت اجتماعی، باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا و اجتماع خود دارد. مشارکت اجتماعی می‌تواند زمینه افزایش ضریب تحمل و مدارای اجتماعی را فراهم کند، سبب ایجاد و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری شود و اعتماد به نفس، رفتار خلاق و مبتکرانه و به طور کلی، رضایت از زندگی را به همراه داشته باشد که در زیست‌پذیری عاملی اساسی به شمار می‌رود.

مشارکت اجتماعی، منجر به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود که می‌توان از آن برای خلق بهزیستی اجتماعی استفاده کرد. سرمایه اجتماعی از جمله عوامل اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری توسعه اجتماعات شهری را فراهم کند. بی‌شک سرمایه اجتماعی نقش بارزی در افزایش زیست‌پذیری کانون‌ها و اجتماعات انسانی دارد و یکی از ارکان مهم افزایش توانمندی‌های محیطی برای زیست‌پذیری است؛ زیرا تأثیر مستقیمی بر

ابعاد عینی و ذهنی زیست‌پذیری در فضاهاى شهری دارد. سرمایه اجتماعی موجب شکل‌دهی روابط شهروندان و افزایش کیفیت تعاملات و مناسبات اجتماعی میان آنان می‌شود؛ از این رو هرچه در میان شهروندان افزایش یابد، تعامل آنان بر مبنای اعتماد، هنجار جمعی، مشارکت و همگرایی اجتماعی نیز بالاتر خواهد بود. حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت در انجام امور در جوامع انسانی‌ای که در آنها سرمایه اجتماعی بالا باشد، به دستیابی به محیط زیست پایدار منجر خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بر متغیرهایی مانند زیست‌پذیری، پایداری و کیفیت زندگی تأثیر مستقیم دارد.

یافته‌های تحقیق همچنین حاکی از رابطه معنی‌دار بین دو متغیر میزان انسجام اجتماعی و زیست‌پذیری شهری است. همبستگی اجتماعی چنانکه جیکوبز باور دارد، عبارت از شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای است که در محله‌های شهری در ارتباط با مسائلی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی و سیمای عمومی شهر اتفاق افتاده است، به لحاظ اجتماعی و بخصوص همبستگی اجتماعی، شهر ایلام دارای خصوصیات جامعه سنتی است؛ جامعه‌ای که به تعبیر دورکیم انسجام مکانیکی مشخصه اصلی آن است. جامعه‌ای که ارزش‌های مشترک دارد، اعضای آن به اهداف مقدس واحدی اعتقاد دارند. در این جامعه وجدان‌های فردی منطبق با وجدان جمعی پرورش می‌یابد که نتیجه آن، توافق ارزشی و همبستگی اجتماعی است. شهر ایلام علی‌رغم تجربه برخورد با دستاوردهای دنیای جدید، همچنان از ته‌نشست‌های فکری، ارزشی، عقیدتی و عناصر هویت‌بخش به‌جامانده از سنت و گذشته ارتزاق می‌کند.

شاید بتوان همبستگی موجود در بین ساکنان را در پرتو فرضیه اجتماعی شدن اینگلهارت تبیین کرد که بر اساس آن، مناسبات میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و اولویت‌های ارزشی، رابطه‌ای مبتنی بر تطابق نیست؛ بلکه تأخیری محسوس در این میان وجود دارد. به طور کلی ارزش‌ها و مناسبات اجتماعی تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر

سال‌های قبل از بلوغ است. ساکنان شهر ایلام که به درازای تاریخ یک فضای سنتی را تجربه کرده‌اند، طبیعی است که نوع نگاه و مناسبات آنها مبتنی بر ویژگی‌های جامعه سنتی و همبستگی اجتماعی، اولویت اساسی آنها باشد و آماده مشارکت و پذیرش مسئولیت اجتماعی باشند. هرچند رویکردهای سنتی در عرصه مدیریت شهر، مشارکت شهروندان و بخش خصوصی و جامعه مدنی را به رسمیت نمی‌شناسد و امکان بهره‌مندی از این ظرفیت عظیم اجتماعی جهت توسعه شهری را از خود سلب کرده است؛ اما این سرمایه اجتماعی شرایط زیست‌پذیری شهری را مساعد کرده و بسیاری از آسیب‌های جامعه شهری را کاهش داده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان انطباق اجتماعی شهروندان و میزان رضایت آنها از ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهر، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. اگر انطباق اجتماعی به معنای پذیرش یا عدم پذیرش باورداشت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مقتضیات یا شرایط جدیدی که برای عضوی از جامعه پیش می‌آید، تعریف شود، در بالاترین سطح آن، حس تعلق اجتماعی شکل می‌گیرد. حس تعلق اجتماعی فرایندی است که طی آن، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد. تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر می‌شود و رفتار دیگران را پیش‌بینی می‌کند. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن، افزایش احساس امنیت در بین اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و سرانجام، ثبات رفتار اعضای جامعه می‌شود و همبستگی و انسجام و حس وفاداری به جامعه را افزایش می‌دهد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳: ۳۰)؛ بنابراین می‌توان انطباق اجتماعی را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی فرد برای برقراری روابط مناسب و ثمربخش با جامعه دانست.

وقتی انطباق اجتماعی در بین افراد جامعه شکل گیرد، حس همانندی و قربابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد به هم پیوند خواهد خورد که نتیجه آن، افزایش و تشدید تماس‌های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است. بسترها و عوامل ایجاد تعلق اجتماعی بخصوص در جوامع در حال گذار دچار

تغییر می‌شوند که به تبع آن، الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... تغییر خواهد یافت. بنابراین بالابودن میزان انطباق اجتماعی در میان شهروندان، زمینه مشارکت گسترده آنها در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر را فراهم می‌کند که می‌تواند مسیر توسعه شهروندی به عنوان یکی از پیش‌نیازهای شهر زیست‌پذیر را هموار سازد؛ بخصوص در شهر ایلام که علی‌رغم تحولات چند دهه اخیر، هنوز فرهنگ شهروندی در آن شکل نگرفته و امکان مشارکت واقعی مردم بخصوص در اداره محل زندگی خود فراهم نشده است؛ بنابراین بالابودن انطباق اجتماعی در میان شهروندان می‌تواند زمینه مشارکت آنها را فراهم سازد و دستاوردهای آن منجر به افزایش زیست‌پذیری شهری گردد.

منابع و مأخذ الف) فارسی

- ارزانی، مصدق (۱۳۹۳)، شکل‌گیری شهر ایلام از نگاه جغرافیایی و تاریخی، تهران: آوای تاریخ.
- بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۰)، «شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معنا»، تهران: آذرخش.
- _____ و فرشته احمدی نژاد (۱۳۹۲)، «ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست‌پذیر در منطقه ۲۲ تهران»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۶، صص ۵۵-۷۴.
- پیری، عیسی و علی ملکی (۱۳۷۸)، «آسیب‌شناسی مسائل شهری»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران: طرح نو.
- جعفری اسدآبادی، حمزه (۱۳۹۲)، بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- حیدری، غلامحسین و زیبا غنائی (۱۳۸۷)، «هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی»، اندیشه و رفتار، شماره ۷، صص ۳۱-۴۰.

- خاکپور، براتعلی، عزت‌الله مافی و علیرضا باوان‌پوری (۱۳۸۸)، «نقش توسعه پایدار در توسعه محله‌ای: نمونه کوی سجادیه مشهد»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۵۵-۸۱.
- خراسانی، محمدامین (۱۳۹۱)، «سکونتگاه زیست‌پذیر، سکونتگاه پایدار»، همایش علوم جغرافیایی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیانپور (۱۳۸۸)، «مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی: شهر اصفهان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۸-۵۹.
- رفیعیان، مجتبی و جمشید مولوی (۱۳۹۰)، **رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری**، تهران: آذرخش.
- زند رضوی، سیامک، کیوان ضیائی و مریم رحمانی (۱۳۸۸)، «ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر»، رفاه اجتماعی، شماره ۳۳، صص ۸۱-۱۰۴.
- ساسان‌پور، فرزانه، سیمین تولایی و حمزه جعفرآبادی (۱۳۹۴)، «قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: کلانشهر تهران)»، انجمن جغرافیای ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
- سام آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور»، انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۱، صص ۹-۲۹.
- شبانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، تحلیل آستانه‌های زیست‌پذیری شهری بر مبنای کاربرد مفهوم ظرفیت برد: مورد پژوهش: منطقه ۱۴ شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران.
- شریفیان ثانی، مریم و نسیمه زنجری (۱۳۹۲)، «بهزیستن به عنوان مفهومی چندبعدی، واکاوی مفاهیم و تعاریف»، رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۶۵-۹۱.
- صفاری‌نیا، مجید، معصومه تدریس تبریزی و مهناز دهکردی (۱۳۹۳)، «رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن در شهر تهران»، اندازه‌گیری تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۱۵-۱۳۲.

- عبدالله تبار، هادی (۱۳۷۸)، «بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان»، رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۱۷۱-۱۹۰.
- علی اکبری، اسماعیل و مجید اکبری (۲۰۱۷)، «مدل‌سازی ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره بیست و یکم، شماره ۱.
- علیزاده، سجاد (۱۳۹۳)، «سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت (مطالعه موردی: محله بریانک منطقه ۱ شهرداری تهران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- عیسی‌لو، علی اصغر، مصطفی بیات و عبدالعلی بهرامی (۱۳۹۳)، «انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)»، مسکن محیط و روستا، شماره ۱۴۶.
- فتحعلیان، معصومه و پروین پرتوی (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی شده اسلامشهر (مورد پژوهی: قائمیه و واران)»، مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۸.
- فلاح منشادی، افروز (۱۳۹۲)، بازآفرینی فضاهای شهری با رویکرد رویدادمرداری و حیات واقعه‌ای به منظور تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری، نمونه موردی: محور شمالی- جنوبی شیراز (دروازه قرآن تا شاهچراغ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری.
- کلارک، دیوید (۱۳۸۸)، **جهان شهری، شهر جهانی**، ترجمه مهدی قرخلو و فروغ خزاعی‌نژاد، تهران: انتخاب.
- کیانی، اکبر (۱۳۹۰)، «شهر هوشمند ضرورت هزاره سوم»، آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۳۹-۶۴.
- مختاری، مرضیه و جواد نظری (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی کیفیت زندگی**، تهران: جامعه‌شناسان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، **سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ایلام**،

www.ir.amar.org

- میرزاحسینی، حسن، علی دلاور و فرهاد ماهر (۱۳۸۶)، «عوامل تعیین کننده بهزیستی ذهنی: نقش عوامل جسمانی روان شناختی و عوامل اقتصادی جمعیت شناختی»، خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۶، صص ۹۲-۱۱۰.
- ناطقپور، محمدجواد (۱۳۸۳)، «توسعه و تعلق اجتماعی؛ با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی»، رشد آموزش زمین شناسی، شماره ۲۵، صص ۲۸-۳۲.
- نصرت آباد، تورج، جلیل باباپور خیرالدین و جعفر خسروشاهی (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه روان شناختی در بهزیستی روانی با توجه به اثرات تعدیل سرمایه اجتماعی»، پژوهش های روانشناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۴۴.

ب) انگلیسی

- Badland, H, et al. (2014). Urban livability: Emerging lessons from Australia for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health. *Social Science and Medicine*, 111, 64-73.
- Balsas, C. J. (2004). Measuring the livability of an urban center: an exploratory study of key performance indicators. *Planning Practice & Research*, 101-110.
- Diener, E. & et al) 1999). "Subjective wellbeing: Tree decades of progress". *Psychological Bulletin*, Vol. 125, No.2: 276-302
- Ghanbaran, A, Musavi, S.,(2014), »Planning Urban Open Spaces for Improving Livability within City«, *International Journal of Academic Research*, vol.6, No.5, pp 148-152
- Keyes, C. L. M.)1998). "Social well-being". *Social Psychology Quarterly*, Vol. 61, No. 2: 121-140.
- Keyes, C. L. M; Shapiro, A. D.)2004).Social well-being in the U. S.: A descriptive Epidemiology. In Orville Brim, *Healthing are you? A national study of well-being of Midlife*. By Orville Gilbert Brim, Carol D. Ryff, Ronald C. Kessler University of Chicago press.
- Lauleby Jasmine & Hashim, Ahmad Hariza (2010), Livability dimensions and attributes: their relative important the eyes of neighborhood residents, *journal of construction in developing countries*.



- Litman, Todd Alexander (2004) Economic value of walkability, world transport policy & practice, volume 10.
- MacGregor, S. L. T. (2010). "Well-being, Wellness and Basic Human Needs in Home Economics". [On-line]. Available: http://www.consultmcgregor.com/documents/publications/well-being_wellness_and_basic_human_needs_in_home_economics. Pdf [2016/7/10].
- Newton, Peter (2012) Livable and Sustainable? Socio-Technical Challenges for Twenty-first-Century Cities, Journal of Urban Technology, vol.19, pp 81-102.
- Saitluanga, B. L. (2013). Spatial pattern of urban livability in Himalayan region: A case of Aizawl City, India. Social Indicators Research, 117(2), 541-559.
- Sarracino, F. (2013). "Social capital and subjective well-being trends: Comparing 11 western European countries". Te Journal of Socio-Economics, Elsevier, Vol. 39, No. 4: 482-517.
- Savasdisara, T. (1988). Residents' satisfaction and neighborhood characteristics in Japanese urban communities. Landscape and Urban Planning, 15(3-4): 201-210.
- Van Kamp, I., Eidelmeijer, K., Marsman, G., & Hollander, A. D. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. Landscape and Urban Planning, 5-18.
- Vancouver municipality (2002), cutting to the core principles of a sustainable urban system.
- Veenhoven, R & Ouweneel, P (1995), livability of the welfare state: appreciation - of - life and length - of life in nations varying in state - welfare effort, social indicators Research.
- Wheeler, S.M (2001). Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California (Working Paper 2001-2004).
- Yamaoka, K. (2008). "Social capital and health and well-being in East Asia: a population-based study". Journal Social Science & Medicine, Vol. 66, No. 4: 885-899.
- Zanella, A., Camanho, A. S., & Dias, T. G. (2014). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact.